



گفت‌وگو با دکتر «علی اسکندری پور» عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

## تأکید بر جنبه اجتماعی سیاست اقتصادی

سیاست تمامی دولت‌های بعد از انقلاب، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید بوده است و این در حالی است که تقریباً در تمام ادوار گذشته نتیجه لازم محقق نشده است. منابع طبیعی به‌ویژه نفت و گاز در کشور، از ابتدا تا به حال به‌عنوان یک کالای مصرفی تلقی شده است؛ با این دیدگاه استخراج کرده و درآمد حاصل از فروش را صرف مخارج عمومی دولت‌ها، سرمایه‌گذاری برای تولید هرچه بیشتر نفت و گاز و مصارف غیرمولد کرده‌ایم و بخش کمی آن که در توسعه صنعتی سرمایه‌گذاری می‌شود عمدتاً توسط دولت صورت می‌گیرد که راندمان این نوع سرمایه‌گذاری پایین است. لذا قادر به ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی پایدار نیستیم. اگر در مورد چالش‌ها و دغدغه‌ها به یک تعریف واحد که اکثریت دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری و اجرایی به آن باور داشته باشند برسیم و در آن چارچوب از تمام ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای دستیابی به اهداف مشخص و دست‌یافتنی و دور از شعارزدگی و بلندپروازی‌های غیرعقلانی استفاده کنیم، به تدریج به رشد و توسعه دست خواهیم یافت. بهترین مشخصه‌های برنامه خوب اقتصادی برنامه‌ای است که افراد جامعه با آن رابطه مثبت برقرار کنند؛ یعنی که اجرای برنامه را به نفع حال و آینده خود بدانند. اصلاح روش‌های مدیریت و تخصیص بهینه منابع فوری‌ترین اصلاحات مورد نیاز جامعه است. این‌ها برخی اشاراتی از دکتر علی اسکندری پور عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه ولیعصر رفسنجان در گفت‌وگو با ماست که مشروح آن در زیر می‌آید.

و تقریباً در تمامی ادوار گذشته افزایش تولید، افزایش اشتغال مولد و پایدار و افزایش در تولید ناخالص داخلی به‌صورت پایدار حاصل نشده است.

### ♦♦ شما چه تحلیلی بر چگونگی نگاه دولت و ملت به توسعه در ایران دارید؟

به‌طور کلی دیدگاه غالب در بین دولت و برنامه ریزان اقتصادی در سطح کلان که به جامعه نیز سرایت کرده و امروزه دیدگاه عمومی در ایران محسوب می‌شود این است که باید سرمایه‌گذاری را در بخش‌های تولیدی و خصوصاً صنعت افزایش داد تا به رشد و توسعه دست یافت؛ یعنی در بهترین حالت فقط جنبه اقتصادی توسعه مدنظر بوده ولی امروزه کمتر اقتصاددان توسعه‌ای را می‌توان یافت که مخالف توسعه همه‌جانبه برای دستیابی به موفقیت باشد که از این نظر کشور ما هنوز در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی در مقایسه با بخش اقتصادی از یک عقب‌ماندگی رنج می‌برد؛ مثلاً در ایران هنوز فرهنگ کار و نگرش عمومی در مورد کار مولد متناسب با نیاز توسعه رشد نکرده است.

♦♦ چرا درآمدهای سرشار نفتی ما در طول دهه‌ها به توسعه‌یافتگی منجر نشده است؟

### ♦♦ شما رویکرد حاکمیت به اقتصاد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رویکرد اقتصاد در کشور ما ترکیبی از مباحث اقتصاد اسلامی مبتنی بر فقه شیعی و اصول اقتصاد علمی مطرح در سطح بین‌المللی است و عدم اطلاع دقیق و کامل دو طرف یعنی طرفداران نظریات اقتصاد اسلامی و اصول اقتصاد نوین از خواسته‌ها و معیارهای یکدیگر باعث ایجاد تناقض و ناهماهنگی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اقتصادی می‌شود و طی سال‌های متمادی این تناقض در دیدگاه و اجرای برنامه‌های اقتصادی مشهود است.

### ♦♦ ارزیابی شما از سیاست‌های دولت در جهت تشویق گسترش فعالیت‌های مولد چیست؟

سیاست دولت فعلی و حتی می‌توان گفت تقریباً تمامی دولت‌های بعد از انقلاب افزایش تولید و سرمایه‌گذاری بوده، ولی در عمل نتیجه‌ای که لازم بود به دست نیامده

به‌عنوان مزیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داریم که اگر به‌درستی استفاده کنیم می‌توان به چالش‌ها میدان نداد؟

بحث در مورد چالش‌ها و مشکلات اقتصاد ایران و دلایل ایجاد آن‌ها مفصل است و در مورد بسیاری از آن‌ها نیاز به مطرح‌شدن ندارد و دغدغه هر روزه مردم است، ولی به نظر بنده اگر در ابتدا به یک تعریف واحد که اکثریت دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری و اجرایی جامعه به آن باور داشته باشند برسیم و در آن چهارچوب پیش برویم به‌طوری که از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای دستیابی به اهداف مشخص و دست‌یافتنی با دوری از شعارزدگی و بلندپروازی‌های غیرعقلانی به‌تدریج به رشد و توسعه دست خواهیم یافت و بسیاری از مشکلات موجود که غیرقابل حل به نظر می‌رسند رفع خواهند شد و می‌توان از چالش‌ها به نفع منافع کشور استفاده کرد.

◆ مشاور اقتصادی اتحادیه اروپا گفته است که مهاجرت نخبگان در کشور ۳۰۰ برابر جنگ عراق و ایران به اقتصاد ایران ضربه زده است. به نظر شما چرا کاری نمی‌شود، یا اگر می‌شود کارساز نیست؟

دیدگاه‌های مختلفی در مورد مهاجرت و خصوصاً مهاجرت نخبگان وجود دارد. نظریه غالب که به نظر می‌رسد در طرح سؤال هم حاکم است، مهاجرت نخبگان را به زیان کشورهای درحال‌توسعه می‌داند و به دنبال روش‌هایی برای جلوگیری از این مهاجرت هستند؛ مثلاً ایجاد محدودیت‌های مختلف، ولی در مقابل دیدگاه دیگری هم وجود دارد که اگر جلوی مهاجرت نخبگان را بگیریم و امکانات موردنیاز آن‌ها را در کشور فراهم نکنیم (که فراهم کردن امکانات برای آن‌ها در این کشورها چندان ممکن نیست) این سرمایه انسانی از دید کلی و در سطح بین‌المللی از بین می‌رود، ولی در صورت مهاجرت امکان رشد این افراد و در نتیجه برخورداری از ابتکارات آن‌ها فراهم می‌شود و در نتیجه همه بشریت و حتی خود کشورهای درحال‌توسعه نیز از این کشفیات و ابتکارات برخوردار می‌شوند. پس بهترین راه برای استفاده از این سرمایه‌های انسانی در کشورهای درحال‌توسعه فراهم کردن امکانات لازم برای رشد و پیشرفت این نخبگان است و وقتی از امکانات صحبت می‌شود در تمامی زمینه‌ها است نه فقط امکانات آزمایشگاهی و یا کارگاهی.

◆ به نظر شما ضعف نظام سیاست‌گذاری اقتصادی ما چیست؟

بخش منابع طبیعی و خصوصاً نفت و گاز در کشور ما از ابتدای پیدایش و کشف این منابع تا به حال به‌عنوان یک کالای مصرفی تلقی شده و با این نگرش همواره در طول تاریخ این صنعت، ما نفت و در سال‌های اخیر نفت و گاز را استخراج کردیم و به فروش رساندیم و صرف مخارج عمومی دولت‌ها کردیم و برای دستیابی به منابع بیشتر مادی و سرمایه‌ای نیاز به استخراج بیشتر این منابع داشتیم که به دلیل سرمایه‌بر بودن فعالیت‌های مربوط به بخش‌های نفت و گاز بخش مهمی از این منابع ارزی و حتی ریالی به‌دست آمده صرف سرمایه‌گذاری برای تولید هر چه بیشتر نفت و گاز شده و بخش دیگر نیز صرف تأمین هزینه‌های جاری دولت می‌شود و بخشی نیز در بخش‌های غیر مولد صرف می‌شود و حتی بخش کمی که در توسعه صنعتی سرمایه‌گذاری می‌شود نیز عمدتاً توسط دولت صورت می‌گیرد که راندمان این نوع سرمایه‌گذاری پایین است و نتیجه چنین برخوردی با منابع باعث فراهم شدن شرایط کنونی در کشور شده که با وجود تحویل منابع بسیار زیاد سرمایه‌های ارزی و ریالی از فروش منابع قادر به ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی پایدار نیستیم.

◆ اقتصاددانان غالباً عنوان می‌کنند که برای حل مسائل اقتصادی در کشور کمتر از روش‌هایی که بر اساس الزامات علمی اقتصاد باشد استفاده می‌شود، به نظر شما چرا چنین است؟

همچنان که قبلاً در پاسخ به سؤال اول اشاره شد دیدگاه واحد و مشخصی در مورد اقتصاد و روش‌های بکارگیری اصول اقتصادی در کشور وجود ندارد و اگر سؤال شود که سیستم یا نظام اقتصادی حاکم بر اقتصاد و خصوصاً نظام برنامه‌ریزی اقتصادی چیست، پاسخ مشخص و واحدی از طرف هیچ یک از بخش‌های صاحب‌نظر ارائه نمی‌شود؛ مثلاً از دیدگاه قانون اساسی نظام اقتصادی پیرو نظام حکومتی اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود، ولی در عمل نظام اقتصادی مختلط که ترکیبی از روش‌های سوسیالیسم و سرمایه‌داری؛ یعنی مالکیت دولتی و خصوصی در کنار هم فعالیت می‌کنند را شاهد هستیم و اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری و حتی لیبرالیسم اقتصادی را در بخش‌های پیشرو خصوصاً در بخش خصوصی می‌بینیم و این نوع نظام اقتصادی سیاست‌گذاری را با مشکل مواجه می‌کند و راندمان اجرای سیاست‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد.

◆ بدون وقفه داد سخن در مورد چالش‌ها و مشکلات فراوان است، به نظر شما چه ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی

بهترین مشخصه یک برنامه خوب اقتصادی، این است که افراد جامعه با آن رابطه مثبت برقرار کنند؛ به این معنی که اجرای برنامه را به نفع خود و آینده خود بدانند. این موضوع با برنامه‌ریزی بر اساسی خواست و نیاز اکثریت جامعه شکل می‌گیرد. این را جنبه مشارکت اجتماعی سیاست اقتصادی می‌دانند که اگر به آن توجه شود، اجرای سیاست با راندمان و اثرگذاری بالا تضمین می‌شود.

موضوع با برنامه‌ریزی بر اساس خواست و نیاز اکثریت جامعه شکل می‌گیرد. این را جنبه مشارکت اجتماعی سیاست اقتصادی می‌دانند که اگر به آن توجه شود، اجرای سیاست با راندمان و اثرگذاری بالا تضمین می‌شود.

#### ◆ به نظر شما فوری‌ترین اصلاحات اقتصادی مورد نیاز جامعه چیست؟

اصلاح روش‌های مدیریت خصوصاً در بخش اقتصادی که امروزه چالش اصلی جامعه محسوب می‌شود و به معضل تبدیل شده و تخصیص منابع محدود در شرایط امروز درآمدی جامعه به اولویت‌های اصلی و اساسی کشور، مانند تأمین نیازهای ضروری این اصلاحات در زمینه‌های مدیریتی در حال حاضر نیاز مبرم و فوری محسوب می‌شود و در آینده هم بهترین راه پیشرفت در جامعه خواهد بود. ◆◆



در بررسی نظام برنامه‌ریزی در کشور تحقیقات مختلفی صورت گرفته و نظریات مختلفی نیز وجود دارد، ولی در یک نظر کلی با توجه به نظریات صاحب‌نظران این رشته می‌توان گفت در طول تاریخ برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران که بیشتر از ۸۰ سال عمر دارد هنوز، هیچ برنامه‌ریزی اقتصادی موفق‌تری اجرا نشده که این عدم موفقیت دلایل مختلفی دارد: اول در محتوای برنامه است که از نظر اهداف برنامه می‌توان گفت همواره اهداف برنامه‌ها بسیار بلند پروازانه در نظر گرفته شده؛ به این معنی که اهداف با منابع تناسب ندارد و همچنین تکیه به منابع حاصل از فروش نفت که باعث شده با وجود منابع درآمدی، اجرای برنامه‌ها محدود باشد و شرایط اجرای برنامه‌ها را با ریسک شدید مواجه می‌کند. همچنین عدم شمول برنامه‌ها، یعنی در برنامه‌ریزی تمامی بخش‌ها و نیازهای جامعه در نظر گرفته نمی‌شود که باعث عدم موفقیت برنامه می‌شود و از بعد خارجی نیز روابط بین‌المللی و توسعه روابط دیپلماتیک برای اجرای برنامه‌ها حیاتی است. در زمان‌هایی تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در عدم موفقیت برنامه‌ها نقش داشته و همچنین عدم سرمایه‌گذاری‌های لازم و کافی در موضوعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باعث ایجاد مقاومت‌هایی در اجرای برنامه‌ها می‌شود.

#### ◆ چه عوامل، اقدامات، دست‌مابه‌ها یا راهبردهایی می‌تواند به‌قرار گرفتن سیاست‌گذار در طریق صحیح کمک قابل‌توجه بنماید؟

اولین نیاز در این موضوع سواد و اطلاعات متناسب مدیران و دست‌اندرکاران مجری برنامه‌های اقتصادی و همچنین باور و قبول موضوع برنامه‌ریزی به‌عنوان تنها راه تخصیص بهینه منابع و موفقیت اقتصادی به‌منظور بهبود شرایط زندگی افراد جامعه که در صورت تحقق این شرایط موفقیت اجرای برنامه تضمین می‌شود؛ چون همه دست‌اندرکاران اجرای برنامه بر این باور هستند که تحقق اهداف برنامه، شرایط به‌مراتب بهتری برای خود و خانواده و همه افراد جامعه فراهم می‌کند و در نتیجه کسی به دنبال سوءاستفاده از منابع برنامه به نفع منافع شخصی نیست و باعث می‌شود منابع اجرای برنامه با راندمان بالا هزینه شود.

#### ◆ یک سیاست خوب اقتصادی دارای چه مشخصاتی است؟

بهترین مشخصه یک برنامه خوب اقتصادی، این است که افراد جامعه با آن رابطه مثبت برقرار کنند؛ به این معنی که اجرای برنامه را به نفع خود و آینده خود بدانند. این